موضوع: تعیین سلام واجب و مستحب/ سلام/ واجبات نماز

فهرست مطالب:

[جواز اکتفا به سلام دوم، «السلام علینا» 1](#_Toc181446258)

[ادله جواز اکتفا 1](#_Toc181446259)

[ادامه بررسی روایت فضل بن شاذان 1](#_Toc181446260)

[روایت محمد بن سنان 1](#_Toc181446261)

[اشکال سندی و دلالی آقای بروجردی 1](#_Toc181446262)

[بررسی اشکال آقای بروجردی 1](#_Toc181446263)

[وارد بودن اشکال سندی 1](#_Toc181446264)

[جواب اشکال دلالی 1](#_Toc181446265)

[بررسی احتمال محلل تکلیفی یا واجب تکلیفی بودن سلام اخیر 1](#_Toc181446266)

[احتیاط در عدم قصد مخرجیت در سلام دوم 1](#_Toc181446267)

[استحباب سلام دوم 1](#_Toc181446268)

بسم الله الرحمن الرحیم

و له صيغتان، هما: «السّلام علينا و على عباد اللّه الصالحين»، و «السّلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته»، و الواجب إحداهما، فإن قدّم الصيغة الاولى كانت الثانية مستحبّة، بمعنى كونها جزءا مستحبّيّا لا خارجا، و إن قدّم الثانية اقتصر عليها.[[1]](#footnote-2)

# جواز اکتفا به سلام دوم، «السلام علینا»

## ادله جواز اکتفا

### ادامه بررسی روایت فضل بن شاذان

بحث در مورد جواز اکتفا به سلام دوم یعنی «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بود که بیان شد برای جواز اکتفا به موثقه ابی بصیر[[2]](#footnote-3) و روایت فضل بن شاذان تمسک می‌کنیم. در روایت فضل آمده است: «وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَقُولَ فِي التَّشَهُّدِ الْأَوَّلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ لِأَنَّ تَحْلِيلَ الصَّلَاةِ التَّسْلِيمُ ُ فَإِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ»[[3]](#footnote-4).

پاسخ اشکال دلالی آقای بروجردی بیان شد و اشاره شد که ایشان اشکال سندی هم کردند و فرمودند: «سند الروایة ضعیف»[[4]](#footnote-5). ایشان در جای دیگری بیان کردند که منشا تضعیف سند روایت فضل بن شاذان این است که وثاقت عبدالواحد بن عبدوس نیسابوری و علی بن محمد قتیبه نیسابوری ثابت نیست[[5]](#footnote-6). که این اشکال هم پاسخ داده شد که سند این روایت منحصر در این طریق نیست و دو سند دیگر نیز در عیون اخبار الرضا برای این روایت مطرح شده و از سه سند وثوق به صدور حاصل می‌شود[[6]](#footnote-7).

از آقای بروجردی نقل شده که ایشان بعدها سعی کردند بگویند که عبدالواحد بن عبدوس چون از مشایخ صدوق بوده و شیخ صدوق زیاد از او نقل کرده پس کشف می‌‌شود مورد اعتماد صدوق بوده است اما اینکه آقای بروجردی علی بن محمد قتیبه را بعدها توثیق کرده باشند واضح نیست. و لذا ما یک بیان واضحی از ایشان چه در کتاب‌های فقهی و چه در کتاب‌های رجالی ایشان پیدا نکردیم. در هر صورت از نظر ما این روایت هم از نظر سند و هم از نظر دلالت خوب است.

### روایت محمد بن سنان

روایت پنجم روایت محمد بن سنان است: «وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كُنْتَ إِمَاماً فَإِنَّمَا التَّسْلِيمُ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاةُ ثُمَّ تُؤْذِنَ الْقَوْمَ فَتَقُولَ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ كَذَلِكَ إِذَا كُنْتَ وَحْدَكَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- مِثْلَ مَا سَلَّمْتَ وَ أَنْتَ إِمَامٌ فَإِذَا كُنْتَ فِي جَمَاعَةٍ فَقُلْ مِثْلَ مَا قُلْتَ وَ سَلِّمْ عَلَى مَنْ عَلَى يَمِينِكَ وَ شِمَالِكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى شِمَالِكَ أَحَدٌ فَسَلِّمْ عَلَى الَّذِينَ عَلَى يَمِينِكَ وَ لَا تَدَعِ التَّسْلِيمَ عَلَى يَمِينِكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى شِمَالِكَ أَحَدٌ».[[7]](#footnote-8)

در این روایت فرموده اگر امام جماعت هستی اول بگو «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته» و بعد بگو «السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین» این را که بگویی دیگر نمازت تمام می‌شود. بعد به قوم، تمام شدن نماز را با صدای بلند اعلام می‌کنی و می‌گویی «السلام علیکم». در فرضی که منفرد باشد نیز همین طور است. اما در مورد ماموم فرمود «فَقُلْ مِثْلَ مَا قُلْتَ»، یعنی «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بگو در ادامه نیز فرمود: هم به طرف راست بگو «السلام علیکم و رحمة ‌الله» هم به طرف چپ نگاه کن و بگو.

گفته می‌‌شود وقتی با گفتن «السلام علینا» نماز تمام می‌شود دیگر محتمل نیست که بعد از تمام شدن نماز، «السلام علیکم» واجب نفسی باشد.

### اشکال سندی و دلالی آقای بروجردی

آقای بروجردی محمد بن سنان را ضعیف می‌دانند. اما فرموده‌اند اگر این روایت نبود ما تردید نداشتیم که اکتفا به السلام علینا نباید کرد و این روایت منشا تردید و احتیاط شده تا فتوا به عدم اکتفا به «السلام علینا» ندهیم[[8]](#footnote-9).

ایشان در ادامه فرموده می‌توان از این روایت جواب داد که اولا مضمونی دارد که هیچ کسی به آن ملتزم نشده است زیرا می‌گوید که منفرد، همین که السلام علینا بگوید نمازش تمام است و اصلا لازم نیست که «السلام علیکم» بگوید زیرا اینکه فرمود مثل امام رفتار کن یعنی در آن موردی که ممکن است و در مورد منفرد که تنها هست اینکه به قوم اعلام کند که نماز تمام شده معنا ندارد و دیگر «السلام علیکم» ندارد. اما این مطلب خلاف تسالم اصحاب است و «السلام علیکم» حداقل مستحب است و امر استحبابی دارد [[9]](#footnote-10).

اشکال دوم دلالی ایشان به روایت این است که ممکن است گفته شود که این روایت در مقام بیان کیفیت «السلام علیکم» است که امام و منفرد یک بار می‌‌گویند و ماموم دو بار می‌‌گوید اما بقیه مطالب حاشیه است. این‌که فرمود «فاذا قلت السلام علینا و علی عباد الله الصالحین فقد انقطعت الصلاة» می‌‌تواند به این معنا باشد که از این به بعد انقطاع نماز شروع می‌‌شود نه این‌که این عبارت برای انقطاع نماز کافی است و در ادامه نیز فرمود: «ثم تؤذن القوم»، یعنی از این به بعد دیگر جزء دیگر نماز را نمی‌توانی ضمیمه کنی فقط می‌‌توانی سلام مخرج نماز را بگویی. نماز با «السلام علینا» منقطع شد نه این‌که اکتفا کن بلکه یعنی با «السلام علینا» اجزای نماز تمام شد و بعد باید سلام مخرج را بگویی نمی‌توانی وقتی هنوز اجزای نماز تمام نشده -مثل عامه که قبل از شهادتین می‌گویند،- السلام علینا را بگویی.

در ادامه ایشان فرموده ممکن است که راوی «فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاةُ» را دقیق نقل به معنا نکرده باشد. مثلا حضرت «فقد تمت الصلاة» فرموده، و راوی فکر کرده معنایش با «فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاةُ» یکی است. اگر فرموده باشد: «فقد تمت الصلاة» یعنی با «السلام علینا» اجزای نماز تمام شده و فقط سلام مخرج را می‌‌تواند بیاورد، منتها راوی به‌جای «فقد انقطعت الصلاة» نقل کرده که موهم این معنا شده که «السلام علینا» مخرج است[[10]](#footnote-11).

### بررسی اشکال آقای بروجردی

### وارد بودن اشکال سندی

اشکال سندی از ناحیه محمد بن سنان را ما هم قبول داریم، اما بزرگانی مثل آقای زنجانی اصرار دارند که محمد بن سنان ثقه است و برخی از اعلام فرموده اند: با وجود خبر صحیح از امام ع که محمد بن سنان را تایید کرده[[11]](#footnote-12) تضعیف شیخ طوسی[[12]](#footnote-13) یا تضعیف شیخ مفید[[13]](#footnote-14) تاثیری ندارد.

اگر امام ع تایید کند مشکلی ندارد اما در اینجا تضعیف شیخ مفید با خبر ثقه‌ای که توثیق امام ع را نقل می‌‌کند تعارض می‌کنند، لازمۀ صدق و مطابق با واقع بودن خبر شیخ مفید در تضعیف ابن سنان این است که راوی در این خبر که امام ع محمد بن سنان را تأیید کرده، اشتباه کرده باشد. اینکه شیخ مفید به چنین لازمه ای ملتفت نبوده مشکل ساز نیست و همین که لازم تکوینی صدق خبر باشد کافی است.

### جواب اشکال دلالی

اما از نظر دلالی نمی‌توان در دلالت روایت خدشه کرد. حتی اگر روایت «تمت الصلاة» هم بود باز هم همین ظهور عرفی را داشت معنایی که ایشان می‌کند تمام نسبی است در حالیکه تمت الصلاه یعنی نماز تمام شده و ناقص نیست و اگر سلام اخیر جزء واجب نماز و مخرج از نماز است پس بدون آن، نماز ناقص است. فرقی نمی‌کند که «تمت الصلاة» باشد یا اینکه «انقطعت الصلاة» باشد توجیهی که آقای بروجردی بیان فرموده خلاف ظاهر است.

به نظر ما اظهر این است که مصلی مخیر است بین اینکه با «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» از نماز خارج بشود یا با «السلام علیکم».

## بررسی احتمال محلل تکلیفی یا واجب تکلیفی بودن سلام اخیر

اینکه گفته شود «السلام علینا» محلل وضعی باشد یعنی بعد از آن اتیان به موانع نماز موجب بطلان نماز نمی‌شود ولی از نظر تکلیفی تا قبل از گفتن السلام علیکم، جایز نیست - که نظر صاحب حدائق نیز ممکن است همین باشد- خلاف ظاهر ادله است. به چه دلیل منافیات نماز بعد از تمام شدن نماز حرام تکلیفی باشد؟ ظاهر «تحلیلها التسلیم» و «فَإِذَا قُلْتَ هَذَا (یعنی السلام علینا) فَقَدْ سَلَّمْتَ»[[14]](#footnote-15) تحلیل مطلق است هم تحلیل وضعی و هم تحلیل تکلیفی است. این عرفی نیست که گفته شود اگر بعد از گفتن «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بدون اینکه «السلام علیکم» بگویید آن‌قدر صبر کنید تا فوت موالات بشود اشکالی ندارد اما اگر پشت به قبله کنید مرتکب معصیت شده اید. استدبار قبله در نماز اصلا حرام تکلیفی نیست و حرام وضعی است و فقط در نماز فریضه مشهور گفتند ابطال نماز فریضه حرام تکلیفی است و الان نیز نماز تمام شده است و استدبار دیگر موجب بطلان نماز هم نمی‌شود.

لازمۀ این مطلب که برای حلال تکلیفی شدن منافیات نماز باید «السلام علیکم» گفته شود و لو نماز با «السلام علینا» تمام شده، این است که در نماز نافله با اینکه ابطال نماز نافله به اجماع جایز است ولی اطلاق این دلیل می‌‌گوید حتی در نماز نافله اگر «السلام علینا» گفته ولی «السلام علیکم» را نگفته، استدبار حرام تکلیفی است با اینکه در اثنای نماز اشکالی نداشت. این مطلب قابل التزام نیست.

تعبیر «تؤذن القوم» در روایت ابی بصیر حمل بر استحباب می‌‌شود اما در مورد امام استحباب مؤکدتری دارد. نسبت به منفرد ادله دیگری مثل روایت ابی بکر حضرمی وجود دارد که می‌گوید: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أُصَلِّي بِقَوْمٍ فَقَالَ سَلِّمْ وَاحِدَةً وَ لَا تَلْتَفِتْ قُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»[[15]](#footnote-16). ابی بکر حضرمی به نظر ما ثقه است چون صفوان و ابن‌ ابی عمیر از او روایت کردند. معنی روایت این است که «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» واجب نیست اما السلام علیکم می‌‌تواند مجزی باشد و لذا مخیر هستید که بگویید «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» یا بگویید «السلام علیکم»، عبارت «و رحمة الله و برکاته» هم مستحب است.

اما این احتمال که گفته شود «السلام علیکم» محلل تکلیفی نیست اما واجب نفسی است و همانطور که رد سلام در نماز واجب نفسی است ولی اگر گفته نشود نماز باطل نمی‌شود، در آخر نماز السلام علیکم نیز همینگونه است، عرفی نبوده و خلاف ظاهر ادله است. کسی قبل از صاحب حدائق چنین فتوایی نداده است و به همین دلیل آقای بروجردی فرموده: این روایت خلاف تسالم اصحاب است[[16]](#footnote-17) هیچ یک از اصحاب این تفصیل را ندادند و عمل شیعه هم این‌جور نبوده و خلاف سیره شیعه است که امام یک بار «السلام علیکم» گفته و مأمومین دو بار بگویند، یک بار نگاه به طرف راست بکنند بگویند «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»، و سپس نگاه به طرف چپ کنند بگویند «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».

## احتیاط در عدم قصد مخرجیت در سلام دوم

مرحوم آقای بروجردی فرموده‌اند: «السلام علیک ایها النبی و رحمة ‌الله و برکاته» واجب نیست ‌چون برخی از روایات این عبارت بیان نشده است یا برخی روایات می‌‌گوید تسلیمه واحده کافی است ، و لو از برخی نقل شده که این را واجب می‌‌دانند. «السلام علینا» هم واجب نیست چون در روایت ابی بکر حضرمی نبود، در صحیحۀ ابن‌اذینه نیز نقل نشده بلکه این چنین روایت شده: «قُلْتُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ- فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ صَلِّ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ فَقُلْتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي وَ قَدْ فَعَلَ ثُمَّ الْتَفَتُّ فَإِذَا أَنَا بِصُفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ سَلِّمْ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ »[[17]](#footnote-18). پس «السلام علیک ایها النبی» و «السلام علینا» مستحب است ولی «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته واجب است یا از باب احتیاط باید حتما گفته شود یا طبق رأی فقهی ایشان حتما گفتن السلام علیکم واجب است.

بعد ایشان فرموده:. اگر کسی می‌‌خواهد احتیاط کند، احتیاط این است که بگوید «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین السلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته» ولی قصد مخرجیت با «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» نکند. اما معنا ندارد که کسی بگوید «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» را به اين خاطر که در روایت ابی بکر حضرمی نیست، نباید گفت چراكه در برخی روایات دیگر هست و سیرۀ شیعه هم بر گفتن بوده است. ایشان می‌‌گویند: شیخ انصاری هم این را دارد که اگر کسی می‌‌خواهد احتیاط کند قصد مخرجیت با «السلام علینا» نکند[[18]](#footnote-19).

آقای حائری به این کلام شیخ انصاری اشکال کرده اند. چون شبهۀ این‌که باید با «السلام علینا» قصد مخرجیت کرد، وجود دارد یعنی قصد کند با همین السلام علینا از نماز خارج بشود، زیرا اگرچه مشهور آن را مستحب می‌دانند ولی برخی «السلام علینا» را واجب می‌دانند و اگر قصد مخرجیت نکنیم شاید اصلا امر استحبابی هم نداشته باشد و کلام آدمی ‌می‌شود. پس خلاف احتیاط است ‌که «السلام علینا» را بدون قصد مخرجیت بگوید.[[19]](#footnote-20)

آقای بروجردی پاسخ می‌دهند: شیخ انصاری احتیاط ممکن را گفته است، این احتیاطی که آقای حائری فرموده ناممکن است زیرا اگر بخواهد قصد مخرجیت بکند یلزم من الاحتیاط خلاف الاحتیاط. احتیاط در حد ممکن این است که «السلام علینا» بگوید و قصد مخرجیت نکند زیرا احتمال می‌رود مخرجیت با «السلام علیکم» باشد و قصد مخرجیت با «السلام علینا» موجب می‌شود که نماز باطل بشود[[20]](#footnote-21).

آقای حائری به اين جهت التفات داشته و نفرموده که قصد مخرجیت جزمیه بکند بلکه هر دو سلام ‌‌را بگوید و قصد کند اگر یکی از سلام ها معینا في علم الله واجب است قصد خروج از نماز با آن سلام را دارد و اگر هر دو مخرج تخییری هستند قصد مخرجیت اولی یا دومی را داشته باشد[[21]](#footnote-22).

به نظر ما اصلا قصد مخرجیت لازم نیست. اطلاق دلیل می‌‌گوید : « فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاة »[[22]](#footnote-23) یا «فَإِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ»[[23]](#footnote-24) چه قصد مخرجیت باشد یا نباشد.

## استحباب سلام دوم

در هر صورت اگر «السلام علینا» گفته شد اين سوال مطرح می‌شود که «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» چه عنوان آورده می‌شود. صاحب عروه فرموده: »جزء مستحب نماز است». اشکال می‌شود که مگر ممکن است که با «السلام علینا» مرکب ارتباطی تمام بشود ولی «السلام علیکم» جزء باشد؟ این چه جزئی است که قبل از آمدنش نماز تمام شده است. این اشکالی است که بزرگانی مانند آقای خویی بیان فرموده اند[[24]](#footnote-25) و لذا ما می‌گوییم که «السلام علیکم» در این صورت مانند تسبیحات حضرت زهرا س مستحبی بعد از نماز است البته با یک تفاوت که «السلام علیکم» ملاک نماز را بالا می‌برد و الا مستحب نفسی است.

و الحمد لله رب العالمین.

1. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 407 [↑](#footnote-ref-2)
2. وسائل الشيعة ‏6: 423؛ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ قَالَ: إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يُسَلِّمَ فَإِذَا وَلَّى وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَقَدْ فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ. [↑](#footnote-ref-3)
3. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2: 123 [↑](#footnote-ref-4)
4. تبیان الصلاة 6: 114. [↑](#footnote-ref-5)
5. تبیان الصلاة 3: 25. [↑](#footnote-ref-6)
6. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2: 121؛ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبْدُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِنَيْسَابُورَ فِي شَعْبَانَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ. همان 2: 127؛ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو نَصْرٍ قَنْبَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا ع. همان؛ و حدثنا الحاكم أبو محمد جعفر بن نعيم بن شاذان رضي الله عنه عن عمه أبي عبد الله محمد بن شاذان عن الفضل بن شاذان عن الرضا ع. [↑](#footnote-ref-7)
7. وسائل الشيعة ‏6: 421. [↑](#footnote-ref-8)
8. کتاب الصلاة (بروجردی) 507؛ و بالجملة: فلو لم يكن هذه الرواية في البين لم نكن نشكّ‌ في حكم المسألة، بل كنّا نجزم بأنّ‌ السلام الذي هو جزء من أجزاء الصلاة في قبال التشهّد و غيره من الأجزاء هو الصيغة الأخيرة، و لكن وردت هذه الرواية فالمسألة مشكلة. [↑](#footnote-ref-9)
9. کتاب الصلاة (بروجردی) 507؛ نهایه التقریر 2: 308؛ مضافا إلى أنّ‌ الرواية تدلّ‌ على أنّ‌ السلام عليكم لا يكون من وظيفة المنفرد أصلا، مع أنّه خلاف ما صرّح به الأصحاب ، حتى القائلين بالاستحباب كالشيخ قدّس سرّه [↑](#footnote-ref-10)
10. کتاب الصلاة (بروجردی) 507؛ و يمكن أن يقال: إنّ‌ المذكور في الرواية الصيغ الثلاثة فلعلّ‌ التحليل و انقطاع الصلاة بسبب الصيغة الأخيرة. غاية الأمر: كون الرواية منقولة بالمعنى و وقوع وهم مّا في بيان ما به يحصل الانقطاع، و محطّ النظر في الحديث لم يكن بيان ما به يحصل الانقطاع، بل كان في مقام بيان وحدة السلام و تعدّده بحسب حال المصلّي، من كونه إماماً أو منفرداً أو مأموماً، فقوله: «إنّما التسليم...» إنّما يكون المراد منه الحصر بحسب هذا الحكم لا بحسب أصل صيغة «السلام» و ما به يحصل الانقطاع، فتدبّر [↑](#footnote-ref-11)
11. رجال الکشی 502. 963 حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قُولَوَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ دَاوُدَ الْقُمِّيِّ، قَالَ، سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِيَ (ع) يَذْكُرُ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ بِخَيْرٍ، وَ قَالَ: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا بِرِضَايَ عَنْهُمَا فَمَا خَالَفَانِي قَطُّ، هَذَا بَعْدَ مَا جَاءَ عَنْهُ فِيهِمَا مَا قَدْ سَمِعْتَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا. [↑](#footnote-ref-12)
12. رجال الطوسي 364. [↑](#footnote-ref-13)
13. الرد على أصحاب العدد - جوابات أهل الموصل، ص: 20‌؛ و هذا الحديث شاذ نادر غير معتمد عليه طريقه محمد بن سنان و هو مطعون فيه لا تختلف العصابة في تهمته و ضعفه و ما كان هذا سبيله لم يعمل عليه في الدين. [↑](#footnote-ref-14)
14. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2: 123 [↑](#footnote-ref-15)
15. وسائل الشیعة 6: 421. [↑](#footnote-ref-16)
16. نهایة التقریر 2: 308 [↑](#footnote-ref-17)
17. وسائل الشيعة ‏5: 468. [↑](#footnote-ref-18)
18. تبیان الصلاة 6: 128؛ و أمّا طريق الاحتياط، فذكر شيخ الانصاري رحمه اللّه بأنّه لو جمع بين الصيغتين من دون قصد الخروج بالاولى كان أحوط الاحتمالات. [↑](#footnote-ref-19)
19. کتاب الصلاة 287؛ و ما ذكره شيخنا المرتضى قدس سره في صلوته من انه لو جمع بين الصيغتين من دون قصد الخروج بالأولى كان أحوط الاحتمالات لا يخفى ما فيه لانه تبطل الصلاة على هذا على مذهب من يوجب قصد الخروج فليس لهذا العمل مراعاة لهذا القول أصلا [↑](#footnote-ref-20)
20. تبیان الصلاة 6: 129؛ و لكن يمكن دفعه بأنّه ليس غرض الشّيخ رحمه اللّه من بيان أحوط الاحتمالات بيان طريق الاحتياط على كل احتمال يكون أو يحتمل في المسألة حتّى يرد الاشكال [↑](#footnote-ref-21)
21. کتاب الصلاة (حائری) 287؛ ثم اعلم انه لو أراد أحد الاحتياط بحيث يأتي بما هو جامع لملاحظة تمام الأقوال في المسئلة لا يمكن فغاية الاحتياط الممكن ان يأتي بالصيغتين و يقصد الخروج بما عينه الشارع له على تقدير التعين و على التقدير الأخر يعين في نفسه إحديهما. [↑](#footnote-ref-22)
22. وسائل الشیعة 6: 421. [↑](#footnote-ref-23)
23. وسائل الشیعة 6: 410. [↑](#footnote-ref-24)
24. موسوعة الامام الخوئی 15: 330؛ و أما الموثقة فلا سبيل للأخذ بظاهرها، لما تقدّم غير مرّة من منافاة الجزئية مع الاستحباب، و أنّ‌ الجزء الاستحبابي في نفسه أمر غير معقول سيّما في مثل المقام ممّا وقع خارج العمل و بعد انقطاع الصلاة و الفراغ عنها، فان عدم معقولية الجزئية حينئذ أوضح كما لا يخفى. فلا مناص إذن من حملها على إرادة الاستحباب النفسي كالقنوت، غاية الأمر أنّ‌ ظرف القنوت أثناء العمل و التسليم بعد الانتهاء منه [↑](#footnote-ref-25)